برادر شهید سیدعلی(خلیل) هاشمی از شهدای حادثه اهواز در گفت‌وگو با «جوان»:

روحیه پدرم در مواجهه با پیکر برادرم عالی بود

صغری خیل فرهنگ

سیدعلی (خلیل) هاشمی متولد ۲۲ اسفند سال ۷۱ کارشناسی ارشد مهندسی برق داشت. قبل از ورود به سربازی بسیجی بود و به معنای اخص کلمه یک رزمنده. در پادگان نیز افسر وظیفه و فرمانده گروهان بود. سربازی‌اش دی ماه ۹۷ تمام می‌شد که در حادثه تروریستی ۳۱ شهریور ماه اهواز به شهادت رسید. برادر بزرگ‌ترش سیدمحمدامین هاشمی‌فر در گفت‌وگو با «جوان» از زندگی و خانواده سید علی گفت که می‌خوانید.

نمونه ادب و اخلاق

ما سه برادر هستیم. تمام خانواده ما مدافع انقلاب هستند. علی فوق لیسانس برق داشت و دانشجوی نمونه دانشگاه آزاد اسلامی ماهشهر بود. البته نه فقط در درس بلکه دربسیاری از موضوعات دیگر هم نمونه بود. از لحاظ ایمان، اخلاق و معرفت نمونه بود. در مسائل دینی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی فردی بسیار آگاه بود. خیلی‌ها از فامیل، آشنایان و دوستانش او را الگوی خودشان می‌دانستند. من از نظر سنی از ایشان بزرگ‌تر بودم، اما به لحاظ معنوی برادرم نسبت به همه ما بزرگی می‌کرد. به بزرگ‌ترها احترام می‌گذاشت. من در همان دانشگاه ایشان تدریس می‌کردم اما باید بگویم ادب و متانت را من از برادرم یاد گرفتم. هرگز مرا به اسم صدا نمی‌زد. گلی بود که پر پر شد. فرمانده‌اش هم از اخلاق و رفتار خوبش تعریف می‌کرد. کارهای فرهنگی پادگان را به او سپرده بودند. سیدعلی(خلیل) تدریس هم می‌کرد. اتفاقاً در پادگان نیز از او به عنوان یک استاد نمونه یاد می‌کردند.

لبخند همیشگی

سیدعلی امسال دهه اول محرم در هیئت‌های عزاداری فعال بود. شب تاسوعا با هم به مراسم عزاداری رفتیم. هوا هم گرم بود اما پیشنهاد داد به هیئت سینه‌زنی برویم. با آنکه چند وقتی بود تمرین زیادی برای آماده شدن در رژه ۳۱ شهریور انجام داده بود و زانوهایش درد می‌کرد، اما چیزی نگفت و تا دیروقت در هیئت ماندیم. برادرم انسانی بزرگ منش، خوش اخلاق و خوش خنده بود. من اخم در چهره ایشان ندیدم. حتی پس از شهادت هم چهره‌اش خندان بود. وقتی به بیمارستان رفتم و قرار شد پیکر پاکش را به سردخانه سپاه ببرند تا برای تشییع آماده شود، دیدم که گلوله به گلویش اصابت کرده است، اما خنده بر لب داشت و من دست‌هایش را بوسیدم. ما ناراحت شهادت ایشان نیستیم، من برای شهادتش گریه نکردم. می‌دانم آنقدر بزرگ بود که این عاقبت بخیری نصیبش شد. پدرم در رسانه‌ها گفت من این فرزند را در راه خدا و اسلام دادم. لازم باشد این دو تای دیگر را هم در این راه می‌دهم. من برای دلتنگی‌های مادرمان گریه می‌کنم.

خادم‌الشهدا

ما هر سال با هم در یادواره شهدای شیمیایی کربلای ۵ و شهدای شهرستان بهبهان شرکت می‌کردیم. البته ایشان در انجام کارهای یادواره مثل تأمین امنیت برگزاری آن و سایر کارهای آن همواره پیشقدم بود و در انجام امور فرهنگی نیز مشارکت می‌کرد. هرگز در برابر درخواست ما و دیگران «نه» نمی‌گفت. همیشه می‌گفت «چشم.» ماشین من به نام او بود اما هیچ تعلق خاطری نداشت.

روحیه عالی پدر

تازه ۱۰ روزی بود که نامزد کرده بودم. برای همین خانواده همسرم خانواده ما را برای ناهار روز جمعه دعوت کرده بودند. علی هم بود. عصر جمعه گفت برای آمادگی در رژه روز ۳۱ شهریور می‌خواهم به پادگان بروم. صبح روز ۳۱ شهریور از خبرها شنیدم که در مراسم رژه اهواز اقدام تروریستی صورت گرفته است. بلافاصله با فرمانده برادرم تماس گرفتم و از علی پرسیدم. گفت مجروح شده و برای انجام عمل جراحی نیاز به رضایت پدرمان است سریع پدرتان را به اهواز بیاورید. از آنجایی که برادرم جلوی جایگاه تیرخورده و عکس‌های ایشان هم منتشر شده بود، همه بستگان متوجه مجروحیتش شده بودند. من سراغ پدر رفتم و با ناراحتی گفتم سیدعلی(خلیل) تیر خورده. گفت او در راه اسلام و برای انقلاب تیر خورده است. این راه امام حسین (ع) است ناراحت نباش! به جای اینکه من به ایشان دلداری دهم، پدرم مرا به آرامش دعوت کرد. بعد با هم به بیمارستان اهواز رفتیم. وقتی به بیمارستان رسیدم گفتند علی شهید شده است. از آنجا که لباس ایشان خونی بود و در آمبولانس در مسیر بیمارستان از تنش درآورده بودند برای شناسایی به سردخانه رفتیم. پدرم گلوی پسرش را که گلوله خورده بود بوسید و گفت خوش به سعادتت که در راه امام حسین(ع) رفتی و شهید شدی. روحیه پدرم عالی بود. کسانی که آنجا بودند به ایشان تسلیت گفتند. پدرم گفت تسلیت نگویید، شهادت تسلیت ندارد، تبریک دارد همه تبریک بگویید! پسرم برای امام حسین(ع) رفته بود. بعد هم که آن مراسم تشییع باشکوه در اهواز سپس در بهبهان برگزار شد و پیکر برادرم در زادگاهش روستای بیدبلند پشت پالایشگاه به خاک سپرده شد.

> برای شناسایی به سردخانه رفتیم. پدرم گلوی پسرش را که گلوله خورده بود بوسید و گفت خوش به سعادتت که در راه امام حسین(ع) رفتی و شهید شدی. روحیه پدرم عالی بود. کسانی که آنجا بودند به ایشان تسلیت گفتند. پدرم گفت تسلیت نگویید، شهادت تسلیت ندارد، تبریک دارد همه تبریک بگویید!

گزارش

یگان «جنگال» در دوران دفاع مقدس چه کارهایی انجام می‌داد؟

قدرتی که دشمن ابعادش را باور نداشت

احمد محمدتبریزی

در دوران دفاع مقدس با وجود تمام محدودیت‌ها و سختی‌ها، ایده‌های نابی به ذهن فرماندهان می‌رسید که فصل نوینی در راه دفاع باز می‌کرد. با وجود جنگ نظامی سخت در جبهه‌ها و حمایت تسلیحاتی غربی‌ها از رژیم بعث عراق، دشمن بعثی از کمک کشورهای غربی در زمینه‌های ارتباطی و الکترونیک نیز بهره می‌جست. غلبه بر دشمن در جنگ الکترونیک و ممانعت از نفوذ دشمن یکی دیگر از مأموریت‌های رزمندگان در دوران دفاع مقدس بود.

به گزارش «جوان» در دوران دفاع مقدس، طبق اطلاعاتی که از اسرای ارتش بعث گرفته شده بود، مشخص شد که کانادایی‌ها، آموزش‌های مفصلی برای شکستن کد رمزهای بیسیم‌های ایرانی به صدام می‌دادند. علاوه بر این آموزش‌ها، انگلیسی‌ها هم ۱۲ گردان جنگ الکترونیک را بعد از عملیات بیت‌المقدس به صدام دادند که عمدتاً مربوط به شرکت «راکال» بود.

در سال ۱۳۶۳ فرمانده وقت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با توجه به اهمیت جنگ الکترونیکی و ارتباطی دستور تأسیس یگان «جنگال» را در سپاه صادر کرد. بنا به اذعان کارشناسان نظامی اگر چنین یگانی در روزهای جنگ تشکیل نمی‌شد نبرد اطلاعاتی جنگ را کاملاً علیه ایران و به سود رژیم بعث تغییر می‌داد.

با اینکه در آن برهه اصطلاح جنگ الکترونیک غریب و ناآشنا به نظر می‌رسید و بسیاری از کشورهای منطقه توانایی ورود به چنین بحثی را نداشتند اما مسئولان وقت احساس کردند که کشور به چنین توانمندی و قدرتی نیازمند است و با همت و تخصص جوانان کشور باید در این عرصه وارد شویم.

سردار علی اصغر زارعی، فرمانده جنگ الکترونیک ایران در دوران دفاع مقدس شروع کار یگان «جنگال» را اینگونه تشریح می‌کند: غنیمت‌هایی را که ما با ابزارهای جنگ الکترونیکی عراقی‌ها به دست می‌آوردیم، برای انجام «مهندسی معکوس» به دانشگاه صنعتی شریف می‌فرستادیم و درخواست می‌کردیم یک نمونه مشابه و قدرتمندتر از آن را برای ما بسازند. یگان جنگال نیروی زمینی سپاه، در دوران دفاع مقدس به بیش از ۱۲ هزار نامه سری و فوری ارتش صدام دسترسی پیدا کرد و پس از کشف رمز و جمع‌بندی آنها شرایطی را رقم زد تا از این اطلاعات به دست آمده در مأموریت‌ها و عملیات‌ها استفاده شود. اوایل کار ما در یگان جنگال، آنقدر انجام این اقدامات برای همه حتی خود ما عجیب و غیرمنتظره بود که برخی فرماندهان هم اطلاعاتی را که به آنها داده می‌شد باور نمی‌کردند.

صدام به قدرت جنگ الکترونیک ارتش بعث بسیار دل بسته بود و اصلاً فکر نمی‌کرد که رزمندگان ما قابلیت کشف رمز دستگاه‌های الکترومغناطیسی و رمزگذاری شده آنها را داشته باشند. اما هر چه از جنگ می‌گذشت پیشرفت ایران در جنگ الکترونیک بیشتر می‌شد. در اواخر جنگ که بعثی‌ها توانستند جزیره مجنون را اشغال کنند، یکی از سایت‌های جنگ الکترونیک ایران در آن منطقه فعال بود و رزمندگان به خاطر فشار دشمن مجبور شدند از آنجا عقب‌نشینی کنند. به همین دلیل مقداری از اطلاعات ما آنجا باقی ماند و دست عراق افتاد. صدام چند روز بعد در جایی سخنرانی کرد که ما اطلاعاتی به دست آوردیم که امریکایی‌ها اطلاعات ما را گرفته و به ایرانی‌ها می‌دهند. در اصل آنها فکر نمی‌کردند که این اطلاعات توسط رزمندگان ایران به دست آمده باشد.

زارعی با ذکر چند نمونه از دست یافتن به اطلاعات بر اهمیت آنها در جنگ صحه می‌گذارد. او در این باره می‌گوید: در عملیات والفجر مقدماتی، در حالی که بچه‌های ما اروند را رد کرده بودند و جلو می‌رفتند ناگهان باخبر شدیم که نیروهای عراقی هم همین امشب می‌خواهند عملیات کنند، خیلی سریع به قرارگاه خبر دادیم تا ما خیلی زودتر حمله و کار را یکسره کنیم. بعد از این عملیات بسیاری از اسرا می‌گفتند که آنها هم قرار بود امشب پاتک داشته باشند. یا هنگام حمله‌های شیمیایی دشمن، ما زودتر متوجه نیت حمله توسط دشمن می‌شدیم و به رزمندگان گفته می‌شد که در یک منطقه خاص ماسک‌های شیمیایی بزنند. قطعاً اگر چنین سیستمی نبود فاجعه بسیار بدتری رخ می‌داد و تعداد جانبازان شیمیایی بسیار بیشتر از اکنون می‌شد.

جنگ الکترونیک مثل دیگر عرصه‌های دفاع مقدس به همت جوانان ایرانی پیشرفت قابل ملاحظه‌ای کرد. پیشرفتی که حتی دشمنان از درک آن عاجز بودند و پس از سال‌ها وقتی پهپادهای ایرانی را بر فراز آسمانشان دیدند متوجه قدرت ایران در علوم ارتباطی و الکترونیک شدند.

یادکرد

مروری بر سرنوشت بلندی‌های میمک در جنگ تحمیلی به مناسبت ۲۵ مهر سالروز آغاز عملیات عاشورا

نبرد برای آزادسازی کلید بغداد

غلامحسین بهبودی

۲۵ مهرماه ۱۳۶۳ عملیات عاشورا در مناطق مرزی استان ایلام انجام گرفت. این عملیات بر آن بود تا بخش‌هایی از شمال و غرب منطقه میمک را آزاد کند. میمک نام ماندگاری در تاریخ دفاع مقدس است که مناقشه بر سر آن تاریخی بیش از جنگ تحمیلی ایران و عراق دارد. به همین مناسبت علاوه بر مرور عملیات عاشورا، نگاهی به تاریخچه اختلافات مرزی ایران و عراق در منطقه میمک می‌اندازیم.

کلید بغداد

بلندی‌های میمک را کلید بغداد نیز می‌نامند. به این دلیل که از مرز میمک تا بغداد راه چندانی نیست و نزدیک‌ترین نقطه مرزی ایران تا پایتخت عراق به شمار می‌رود. از این رو حکام بعثی توجه مضاعفی به منطقه میمک داشتند. در ماجرای قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر وقتی قرار شد در نوار مرزی میله‌گذاری صورت گیرد، نمایندگان کشور عراق در بلندی‌های میمک بهانه‌تراشی و کار را نیمه رها کردند. سپس با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، این بهانه‌تراشی‌ها ادامه یافت و در کنار موضوع اروندرود، عودت بلندی‌های میمک نیز جزء خواسته‌های نامشروع حزب بعث عراق قرار گرفت.

۱۹ شهریورماه ۱۳۵۹، وقتی هنوز جنگ تحمیلی به صورت رسمی آغاز نشده بود، عراق به منطقه میمک حمله کرد و روز بعد آنجا را به اشغال خود درآورد، بنابراین میمک اولین نقطه از ایران بود که به تصرف دشمن درآمد. اهمیت این منطقه برای عراقی‌ها به حدی بود که وزارت دفاع این کشور بیانیه‌ای رسمی صادر کرد و اشغال میمک را «سیف سعد» نامید. همان روزها مقام معظم رهبری به عنوان نماینده امام در شورای عالی دفاع به ایلام رفتند و با رزمندگان دیدار کردند.

سه ماه بعد از شروع جنگ، در ۱۹ دی ماه ۱۳۵۹ ارتش جمهوری اسلامی ایران به کمک عشایر منطقه، عملیات ضربت ذوالفقار را برای آزادسازی میمک انجام داد. یکی از اولین مواردی که دشمن از بمب شیمیایی در جنگ استفاده کرد، در همین عملیات ضربت ذوالفقار بود که نشان می‌داد میمک تا چه اندازه برای دشمن اهمیت دارد. همچنین اسرای عراقی نیز از حضور شخص صدام در پشت جبهه دفاع از میمک خبر می‌دادند، اما به رغم تمامی تمهیدات دشمن، رزمندگان توانستند بخشی از ارتفاعات میمک را آزاد کنند. هرچند هنوز شمال و غرب این منطقه در تصرف دشمن باقی مانده بود.

عملیات عاشورا

وضعیت منطقه میمک تا سال ۶۳ تقریباً ثابت بود تا اینکه در این زمان قرار شد با انجام عملیات عاشورا آن بخش از این منطقه که هنوز در اشغال دشمن بود آزاد شود. اتصال جبهه‌های جناحین میمک از جمله اهداف عملیات عاشورا بود که توسط یگان‌هایی از سپاه و ارتش انجام می‌گرفت. این نیروها باید در منطقه‌ای وارد عمل می‌شدند که وجود شیارها و پستی و بلندی‌ها روند عملیات را پیچیده می‌کرد.

از غروب روز ۲۵ مهر ۱۳۶۳، نیروها به طرف اهداف خود حرکت کردند. درگیری با دشمن با رمز «یااباعبدالله‌الحسین (ع)» حدود ساعت ۳۰ دقیقه بامداد در محور میانی (فصیل) آغاز و رزمندگان پس از چندین ساعت نبرد موفق شدند حدود ۹ صبح ارتفاعات فصیل را تصرف و سپس پاکسازی کنند. در این میان، تلاش برای تصرف یال میمک (۳۴۸) به نتیجه نرسید.

در محور جنوبی (فرو رفتگی میمک) که درگیری در ساعت ۲:۴۵ آغاز شد، اگر چه نیروها توانستند به برخی از اهداف خود دست یابند، ولی در حالی که فاقد سنگرهای دفاعی بودند و از امکانات پشتیبانی نیز بهره‌ای نداشتند، با پاتک زرهی دشمن مجبور به عقب‌نشینی شدند. در محور شمالی (گرگنی) نیروها که اغلب اوقات خود را به خنثی‌سازی میادین مین و بازکردن معبر اختصاص داده بودند، سرانجام پس از مدتی درگیری با دشمن توانستند ارتفاع گرگنی را تصرف کنند.

در این میان دشمن با جمع‌آوری و سازماندهی نیروهایش از صبح روز دوم پاتک‌های سنگین خود را که به آتش شدید توپخانه و حملات هوایی همراه بود، آغاز کرد و هر بار با مقاومت نیروهای خودی مواجه شد و ضمن تحمل تلفات و ضایعات مجبور می‌شد عقب‌نشینی کند. بازپس‌گیری بیش از ۵۰ کیلومتر مربع از مناطق اشغالی، تصرف بخش مهمی از ارتفاعات منطقه (فصیل - گرگنی)، معرض تهدید قرار گرفتن جاده بدره - مندلی، آزاد شدن جاده مرزی خودی، از جمله دستاوردهای عملیات عاشورا بود.

> یکی از مواردی که دشمن از بمب شیمیایی در جنگ استفاده کرد، در عملیات ضربت ذوالفقار بود که نشان می‌داد میمک تا چه اندازه برای دشمن اهمیت دارد. اما به رغم تمامی تمهیدات دشمن، رزمندگان توانستند بخشی از ارتفاعات میمک را آزاد کنند

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۵۴۹۴

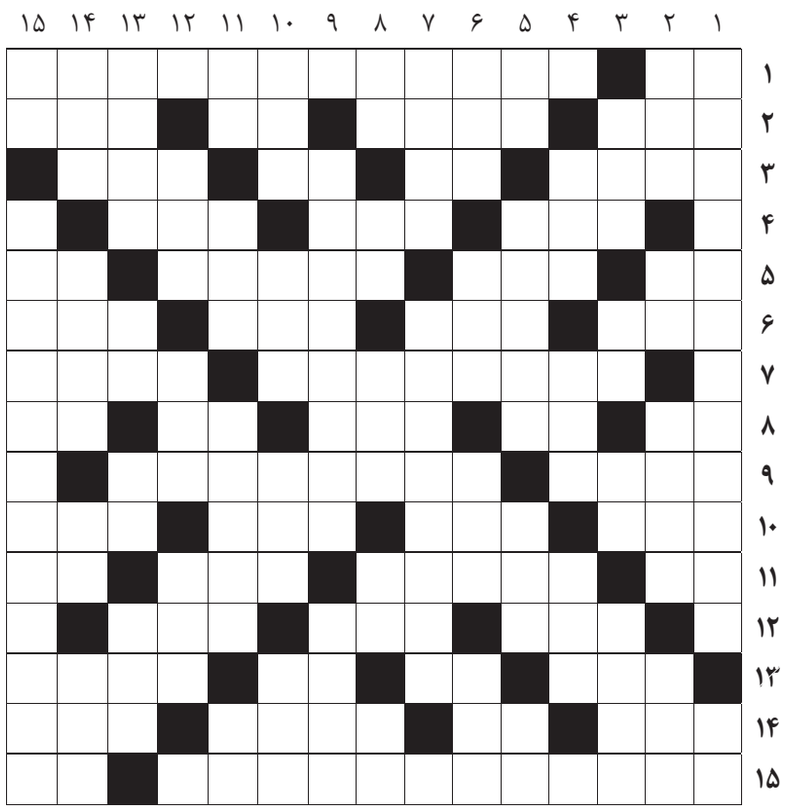

از راست به چپ

۱- حمله نظامی- مبارز بزرگ کشور اکوادور ■ ۲- کمانگیر شاهنامه- سگ شکاری- قهوه‌ای روشن- ستون میان دیوارها ■ ۳- فقیر- حرف زمین شوی- صفت عدد- کلس ■ ۴- روسیاه مطبخ- هافبک پرسپولیس- شش ■ ۵- مقابل مدح- فرشته- محصول کوه آتشفشان- گرفتنی هنرپیشه ■ ۶- چاه جهنم- به‌جز- واحد وزنی- گیاه گونی ■ ۷- قهرمان افسانه ای و مردم دوست انگلیسی- نوعی ادویه ■ ۸- عضوی در صورت- شهر آرامگاه شیخ صدوق- از امراض جلدی- رود آرام- حرف انتخاب ■ ۹- واحد شمارش چک- گلی خوشبو به رنگ سفید یا زرد یا کبود ■ ۱۰- ژرفنا- لوله غذا- زندان مسعود سعد سلمان- جزیره زادگاه ناپلئون ■ ۱۱- شاه بی شین!- هنر کنده کاری روی فلزات- تفریح کودکانه- تصدیق روسی ■ ۱۲- مغازه کوچک- مادر آذری- برکت سفره ■ ۱۳- مطیع- تکنیک- عدد عنقا- دوبرابر ■ ۱۴- از اعمال حج- سست و وارفته- خانه کرم ابریشم- گوارا ■ ۱۵- نام شناسنامه‌ای استاد شهریار- ضمیر اشاره

از بالا به پایین

۱- از مهم‌ترین جنگ افزارهای رزم زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی- حافظه کوتاه مدت کامپیوتر ■ ۲- طایفه ساکن در غرب کشور- علامت فعل استمراری- آرامگاه بزرگان- نیزه ■ ۳- مسرور- طایفه اصیل ایرانی- تکرار حرفی- همیشه و همواره ■ ۴- چرک- وسیله برش- دستور قاضی ■ ۵- هنوز انگلیسی- سوغات نطنز- شهر زادگاه امام علی(ع)- خسیس ■ ۶- بازنده شطرنج- متضاد جزئی- بنده - پولک ماهی ■ ۷- عضو کابینه- کلیسای رسمی انگلستان ■ ۸- نماد لاغری - حیوان باوفا- آواز پنهانی دل در حالت ترس و نگرانی- پول ژاپن- قلم فرنگی ■ ۹- بالاترین مقام رسمی ایران که در سال های دفاع مقدس به اسارت نیروهای عراقی درآمد- صدمه ■ ۱۰- بیماری خطرناک- گندم سوده شده- گراز- رها و آزاد ■ ۱۱- محل مخصوص در تماشاخانه- جنگ- طلوع کردن- راست ایستاده ■ ۱۲- نشانه قرآنی- کمیته تصمیم‌گیرنده در فدراسیون‌های ورزشی- جوانمرد ■ ۱۳- آبرو و اعتبار- بز کوهی- منقار کوتاه- عزیزتر از فرزند ■ ۱۴- میدانی قدیمی در تهران- از مذاهب اهل سنت- رفوزه- ساختمان ■ ۱۵- درخت انگور- هفتمین طبقه دوزخ

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

						۴	۱	
۶	۸		۳					
			۵		۹			
		۷	۶		۸			
۴		۳						
						۷		۵
	۳	۶		۱				۷
				۸				۲
	۱			۲			۵	

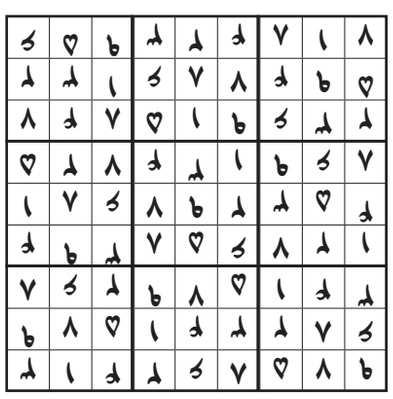

جدول کلمات متقاطع
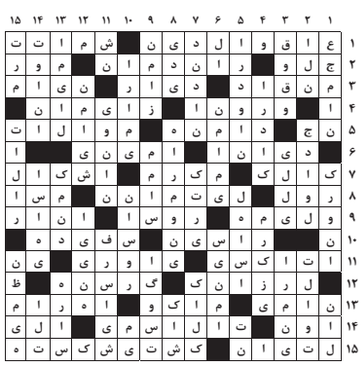
پاسخ جدول شماره ۵۴۹۳